

دوبار را باین حرکات و ادا کرده اند معلوم شده و مجازات بشوند خود این شخص مجازات بشود

ما می خواهیم مملکتمان را بیک ترتیبی اداره کنیم اکثریت و اقلیت و عدم اعتماد در این فضا است و مربوط به نظامنامه داخلی و قانون اساسی است و چون بنده گمان می کردم تمام آقایان یا اکثریت آقایان در این تقاضا بنده موافق هستند خواستم تا موقع هست تقاضا کنم که از طرف مجلس بدولت اخطار شود که اگر مسیو دویوا نرفته است اجازه حرکت باو ندهند و اگر رفته است بفوریت او را در هر نقطه هست توقیف کنند و برگردانند و پس از این افراری که کرده است او را محاکمه نمایند و باندازه توهیناتش مجازات شود .

نایب رئیس - آقایان دستغیب و حائری زاده اگر اجازه می دهند جلسه را ختم کنیم

جلسه آتیه روز ۴ شنبه ۲ ساعت ونیم قبل از ظهر

(بعضی گفتند سه ساعت و برخی اظهار نمودند چهار ساعت قبل از ظهر)

نایب رئیس - چون عده کافی نیست آقایان روز ۴ شنبه تشریف بیاورند عده که کافی شد رای گرفته می شود و دستور همان قانون هیئت منصفه خواهد بود

مجلس ۳ ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد

رئیس مجلس - موتمن الملک

جلسه ۱۷۳
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه غره ربیع
الثانی ۱۳۴۱ مطابق
بیست و نهم عقرب
۱۳۰۱

مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و هفتم عقرب را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای شیخ المراقین زاده

(اجازه)

شیخ المراقین زاده - بنده در جلسه قبل کسالت داشتم که نتوانستم حاضر شوم و اجازه هم خواسته بودم

نایب رئیس آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - بنده هم در جلسه قبل مرخص بودم و اجازه هم خواسته بودم

نایب رئیس آقای قوام الدوله (اجازه)

قوام الدوله - بنده را هم در صورت مجلس غایب بدون اجازه نوشته اند

در صورتی که یکشنبه بنده تا یک ساعت بعد از ظهر در کمیسیون خارجه بودم و متأسفانه همان وقت حالم بهم خورد و بتوسط آقای اقبال السلطان به مقام ریاست اطلاع داده و استعجازه نمودم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - اجازه هائی که آقایان خواسته اند چون در روز یکشنبه بکمیسیون آمده است روز دوشنبه کمیسیون عریض و مرخصی تشکیل نشد که با اجازه آقایان رسیدگی کند

والا آقای غضنفر خان هم اجازه خواسته بودند ولی چون صبح یکشنبه به کمیسیون آمد کمیسیون هم اجازه رادو بمناسبت اینکه جلسات کمیسیون عریض به عصر افتاد دیگر موقع نشد که با اجازه نامه هائی رسیدگی شود البته امروز در موقع تشکیل کمیسیون با اجازه آقایان رسیدگی خواهد شد و اجازه داده خواهد شد

نایب رئیس دیگر در صورت جلسه ایرادی نیست؟

(اظهاری نشد)

نایب رئیس صورت جلسه تصویب شد

دستور امروز بقیه شور در راهپورت کمیسیون خارجه راجع بامتیاز نفلور راهپورت کمیسیون عدلیه راجع بقانون موقتی هیئت منصفه است

حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد می کنم راهپورت کمیسیون عدلیه در دستور مقدم شود

نایب رئیس در این پیشنهاد مخالفی هست؟

(اظهاری نشد)

حاج شیخ اسدالله مخبر کمیسیون عدلیه - قبل از شروع بقرائت راهپورت سابق کمیسیون عدلیه لازم است بنده عریضی عرض کنم

در راهپورت سابق که از طرف کمیسیون بمجلس آمد اختلاف نظری بین آقایان بود بالاخره از طرف دستجات هر کدام یک نفر انتخاب شده و در این راهپورت مذاکراتی بعمل آمد و پس از مذاکرات زیاد و بعد از یک اصلاحاتی توافق نظر حاصل شد حالا آن اصلاحاتی که شده بنده می خوانم و آقایان در راهپورت هائی که طبع شده و خدمتشان می باشد آنها را اصلاح کنند اصلاحی که

در ماده اول شده این است از تاریخ تصویب این قانون تا اول حمل ۱۳۰۲ بطریق ذیل خواهد بود .

البته آقایان ملاحظه فرموده اند در قانون سابق نوشته شده بود مادام که قانون دیگری راجع به هیئت منصفه تصویب بمجلس شورای ملی نرسیده تعیین هیئت مزبوره بطریق ذیل خواهد بود آن قانون سابق باسم قانون موقتی نوشته شده بود ولی در اینجا اصلاحی گشته این است که الحاقاً فقط قانون فقط چهارماه تصویب می شود .

بعلاوه خود ماده هم اینطور اصلاح شده است در تقاضی که محکمه استیناف نباشد محکمه ابتدائی از میان اشخاصی که در موقع انتخابات یکی از دو دوره اخیر مجلس شورای ملی نسبتاً حائز اکثریت بوده اند و هم چنین اشخاصی که در دوره تقنینیه دوم بمقام نمایندگان انتخاب شده اند باستثنای اشخاصی که فعلاً سمت نمایندگی یا وزارت یا معاونت وزارت و حکومت دارند صد نفر ۰۰ الی آخر ماده این یک اصلاحی است که شده است اصلاح دیگری که شده این است که یک ماده باین پیشنهاد اضافه شده و این ماده چهارم است که نوشته شده متهمین بتقصیرات سیاسی مشمول این قانون نخواهند بود این اصلاحاتی بود که در این پیشنهاد دولت شده که بمعرض آقایان رسانیدم

(آقای مستشار السلطنه پیشنهاد دولت را راجع بقانون هیئت منصفه یا اصلاحات فوق بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون تا اول حمل ۱۳۰۲ تعیین هیئت منصفه بطریق ذیل خواهد بود محکمه استیناف و در تقاضی که محکمه استیناف نباشد محکمه ابتدائی از میان اشخاصی که در موقع انتخابات یکی از دو دوره اخیر مجلس شورای ملی نسبتاً حائز اکثریت بوده و واجد شرایطی هستند که قانوناً برای نمایندگان مقرر است وهم چنین اشخاصی که در دوره تقنینیه دوم بمقام نمایندگی انتخاب شده اند (باستثنای اشخاصی که فعلاً سمت نمایندگی یا وزارت و معاونت وزارت و حکومت دارند) یکصد نفر را با رعایت اقامت آنها در مقرر محکمه منصفه معین می نماید و اگر پس از اخطار کتبی بکسانی که اسامی آنها جزو عده مزبوره معین شده است یک یا چند نفر از قبول عضویت احتمالی در هیئت منصفه امتناع کنند بقیه تا میزان یکصد نفر بطریق مزبوره فوق تشکیل می شود و در مورد هر محاکمه محکمه استیناف یا محکمه ابتدائی در جلسه علنی خود با حضور مدعی العموم آن محکمه پنج نفر را بسمت عضویت اصلی و سه نفر را بسمت عضویت علی البدل هیئت منصفه از میان یکصد نفر مذکور بمسکوم قرعه معین می نماید و نفر عضو اصلی باید در

تمام جلسات محکمه حضور داشته باشند هر يك از آن ها که بعلت موجهی نتوانند محکمه حاضر شود بمسکوم قرعه از اعضاء علی البدل بجای او معین خواهد شد

ماده دوم - در تقاضی که اشخاصی حائز اکثریت بطوری که در ماده قبل مقرر است یکصد نفر بالغ بشود قرعه باید از میان معین موجوده بعمل آید

ماده سوم - محکمه منصفه که از محکمه جنائی عمومی و از اعضاء هیئت منصفه تشکیل میشود مطابق مقررات قانون موقت اصول معاکات جزا رسیدگی نمود و فوراً پس از اعلان ختم معاکه و قبل از تفرق اعضاء مشورت کرده رای خود را در مجرمیت و تشخیص جرم و با عده مجرمیت متهم با اکثریت آراء معین می نماید ولی صدور حکم حوزه بر تیره و حوزه بر تمین مجازات مطابق مطبوعات فقط با فاضان خواهد بود و در صورت تساوی آراء رای که بر له متهم است بمنزله اکثریت بوده و حکم قضات بر طبق آن صادر خواهد شد

ماده چهارم - متهمین بتقصیرات سیاسی مشمول این قانون نخواهند بود

نایب رئیس - شورور کلیات است آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده موافقم

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - مخالفت بنده برای مطالبی بود که يك قسمت آنرا آقای مخبر فرمودند اصلاح شده است ولی باز بمقیده بنده يك مطلبی اصلاح نشده و آن این است که عضو اصلی معاکه را نفر معین کرده اند و بنده عقیده دارم که هش نفر معین شود و اگر این مسئله هم اصلاح شود بنده هم موافق میشوم

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مخالفت آقای حائری زاده با کلیات این قانون نبود مخالفت ایشان راجع بیکي از مواد بود و ممکن است در موقع مذاکره در آن ماده ایراد خودشان را اظهار بفرمایند و جواب بشنوند و حالا بنده دیگر داخل در مواد نمیشوم

نایب رئیس - آقای نجات (اجازه)

آقا میرزا محمد نجات - بعد از این همه فداکاری ها که در راه مشروطیت شده است در حقیقت بنده خورسندم که يك چنین قانونی بمجلس آمده و در اساس و اصل این قانون مخالف نیست ولی اشکال بنده در این است که نوشته شده صد نفر از میان اشخاصی که در دو دوره اخیر مجلس شورای ملی نسبتاً حائز اکثریت شده اند انتخاب شود و بنده صد نفر را زیاد می دانم

زیرا نظر مقتنین و دولت بر این است که اشخاصی که در هیئت منصفه حاضر میشوند اشخاصی باشند که طرف اعتماد عامه باشند یعنی ملت در باره آنها رأی داده باشد و تصور می کنم این اشخاصی که در این جا نوشته شده قابل نیستند که در هیئت منصفه باشند و بعقیده بنده سالی چهار نفر کافی است این اشکالی بود که در ماده اول دهم اشکالی هم در ماده سوم دارم

نایب رئیس - خوب است در کلیات فرمایش بفرمائید

نجات - بنده هر ایضاً در کلیات است یعنی راجع بهر ماده ایرادی دارم و آن ایراد تمام را هم عرض میکنم.

نایب رئیس - خوب است در هر ماده که ایراد دارید در موقع مذاکره در آن ماده ایرادتان را بفرمائید

نجات - تصور میکنم تمام آقایان در اصل موضوع موافق باشند نهایت چیزی که هست آقایان در بعضی مواد که ایراد دارند در ضمن شور در کلیات ایرادات راجع بآن مواد را می فرمایند و شور در کلیات غیر از این چیز دیگری نیست.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - گرچه مقام نیابت ریاست جواب آقای نجات را دادند ولی بنده هم مجبورم مطلب را عرض کنم چنانچه یکیشی هم آقای زنجانی این مسئله ما متذکر شدند.

شور در کلیات این است لایحه که از طرف دولت بمجلس پیش نهاد می شود با طرح قانونی که از طرف آقایان نمایندگان پیشنهاد میشود وقتی که بناهد در کلیات آن مذاکره گردد فقط باید معلوم شود که آقایان نمایندگان در اصل موضوع موافقت یا مخالفت حالا هم ما برای بزرگ کردن و توسعه دادن مطبوعات گفته ایم مطابق قانون اساسی در موقع معاکه مطبوعات هیئت منصفه هم باید حاضر باشند و در اصل این موضوع همه موافقم و وقتی هم که در اصل موافق شدیم دیگر تصور می کنم شور در کلیات لزومی نداشته باشد

نایب رئیس - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - بنده در کلیات موافقم.

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید.

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام این است که در موقع شور در کلیات هر کس هر عقیده دارد باید اظهار کند ولو اینکه ردش کنند در مجلس شورای ملی هر یک از و کلاً بایستی عقیده خود را اظهار

کنند نایشکه هنوز مطالب گفته نشده بگویند مذاکرات کافی است. شور در کلیات باین معنی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند نیست و اگر اینطور باشد باید در نفی و اثبات مطلب داخل شد و دیگر مشاوره لازم ندارد.

این مسئله بدیهی است که هیئت منصفه را قانون اساسی هم اشاره کرده و در قبول آن هیچکس تردیدی ندارد و معنی شور در کلیات این نیست.

شور در کلیات برای این است که قانونی که مشتمل بر چند ماده است در موقع شور در کلیات باید مجموع مواد را در نظر بگیرند و در آن ها مذاکره کنند و الا ممکن است شخص در اصل مسأله موافق باشد ولی در مواد مخالف باشد یا برعکس باید در ضمن شور در کلیات راجع بتمام مواد هم صحبت کند.

اما مخالفت من اولاً راجع بمستثنی کردن مأمورین دولت از هیئت منصفه.

در این قانون فقط وزراء و معاونین و حکام را استثنا کرده است در صورتیکه بایستی عموم مأمورین دولت راجع بوظیفه و چه غیر موظف باشند استثنا نمود برای اینکه مأمورین باین تر زودتر تحت نفوذ واقع می شوند تا بیک والی ایالت یا معاون یک وزارت خانه خوب است این مسئله را اصلاح کنند.

ایراد دیگر بنده راجع به دفتر است بلی اگر این قانون فقط اختصاصی بطهران داشت ممکن بود که صد نفر از اشخاصی که نسبتاً حائز اکثریت شده اند پیدا شود ولی وقتی که بنشیند این قانون توسعه پیدا کند که در ایالات و ولایات و حتی در قصبات هم اجراء شود و در آن جا هم ما کم استثنای نباشد که ما کم ابتدائی رسیدگی کند آن وقت صد نفر در آنجا پیدا نمی شود که نسبتاً حائز اکثریت شده باشند و اگر بنا باشد از اشخاصی که یک رای یا دو رای در باره آنها داده شده باشد انتخاب شوند آن وقت آن اشخاص از طرف عامه ملت نبوده اند و هیئت منصفه بآن فلسفه که ما برایش قائلیم نتیجه نمی بخشد و علاوه عبارت این ماده بیچیدگی دارد و مقصود در درست نبرساند چون مقصود کمسیون از نمایندگان دوره دوم و سه اخیر اشخاصی بوده اند که حائز اکثریت بوده اند ولی نمایندگان دوره چهارم که استثنا کرده در دست معلوم نیست که آیا اشخاصی هم که حائز اکثریت نسبی بوده اند مستثنی هستند یا فقط اشخاصی که سمت نمایندگی را دارند مستثنی می باشند و باید عبارت اصلاح شود.

نایب رئیس - باتمام این تفصیلهای باز عقیده من این است که شور در کلیات غیر از این است که می فرمائید زیرا مخالفت با مواد را بایستی در ضمن شور در مواد اظهار کرد معاون وزارت عدلیه - بنده هم خواستم همین فرمایشی را که آقای مدرس فرمودند عرض کنم اشکالات ها مزاده محمد هاشم

میرزا راجع بتمام مواد بوده ولی بطور کلی اشکالاتی که داشتند یکی این بود که تمام مأمورین دولت مستثنی شوند در صورتیکه در کجای دنیا اینطور معمول بوده نیست که در این قسم قوانین عموم مستخدمین را استثنا کردن مستخدمین دولت و نظرهاست یکی مستخدمینی که داخل در مسائل سیاسی هستند استثنا شوند یکی هم اشخاصی که حق دخالت در مسائل سیاسی ندارند اینجا هم باید استثنا شوند چنانچه اینجا هم ملاحظه می فرمائید وزراء و معاونین وزراء و حکام اشخاصی هستند که داخل در سیاست هستند و باین جهت استثنا شده اند و یکمده هم که حق دخالت در سیاست ندارند آن ها را هم در این قانون صراحتاً استثنا نکردیم بعلم اینکه در قانون انتخابات مخصوصاً ذکر شده است که نظامیان و مأمورین نظریه و امنیه بهیچ وجه حق ورود در مسائل سیاسی ندارند و چون هیئت منصفه هم از اشخاص انتخاب خواهند شد که حق انتخاب شدن برای وکالت را داشته باشند باین جهت در قانون صراحتاً از آن ها اسم برده نشد و اما اینکه فرمودند شاید در نقاطی معاکم استثنائی نباشد و ما کم ابتدائی بخواهند اشخاصی را انتخاب کنند شاید در آن نقاط صد نفر که نسبتاً حائز اکثریت شده باشند نباشد بلی ممکن است که از یک شهر یک نفر یا دو نفر بوده است البته بصورت مجلس انتخابات مراجع می کنند و اشخاصی که نسبتاً بیشتر رای در باره آن ها داده شده انتخاب می نمایند و مخصوصاً برای احتراز از اینکه اشخاص که دو یا سه رای داشته اند انتخاب نشوند مخصوصاً در دوره رابعین کرده اند و با این حال تصور میکنم در طهران و مراکز مهم اشخاصی که داخل در هیئت منصفه می شوند کمتر از هزار رای و یا صد رای نباشند و در جاهائی هم که محکمه استثنائی نیست و محکمه ابتدائی باید هیئت رأی انتخاب کند تصور نمیکنم اشخاصی که کمتر از چهل پنجاه رای داشته باشند انتخاب شوند علاوه چنانچه شاهزاده محمد هاشم میرزا هم فرمودند ممکن است در نقاطی این عیب تولید شود و بنده هم منکر نیستم ولی تصدیق می فرمایند در چنین نقاط هنوز روز نامه تاسیس نشده که احتیاج بوجود هیئت منصفه پیدا کنند.

نایب رئیس - آقای سید ابوالملك (اجازه)

سید ابوالملك - بنده موافقم (جمعی گفتند مذاکرات کافی و عده گفتند کافی نیست)

نایب رئیس - رای میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

نایب رئیس - رای میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم میشود کافی است ماده اول -

تدین - بنده اخطار می کنم نظام نامه دارم - رای بدخول در شور مواد گرفته نشده است

نایب رئیس - رای میگیریم برای دخل شدن در شور مواد آقایانی که تصویب میکنند داخل در شور مواد بشویم قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده اول مطرح است. آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - چون در ماده اول هم ممکن است در کلیات صحبت نمودند از این جهت بنده یکمده هم از کلیات صحبت می کنم البته آقایان تصدیق میفرمایند که هیچ کلی تعقیق پیدا نمی کند مگر بوجود افراد و اگر بنده مخالف با یک کلی شدم نه از نقطه نظر کلی موهم است بلکه بواسطه این است که با بعضی از اجزاء و افراد آن کلی مخالفم و این مسئله در مجلس سابقه هم دارد و بنده تمجب میکنم که چرا مسائل فراموش می شود بکرات در مجلس اتفاق افتاده که در کلیات مخالفت شده است بواسطه جزئیات و تذکر دادند جزئیات را - قبلاً می خواهم عرض کنم فلسفه تشکیل هیئت منصفه را و علت اینکه قانون اساسی در مسائل سیاسی و جرائد بوجود هیئت منصفه قائل شده چیست؟ برای اینکه دولت دارای قوه و قدرت است و غالباً می تواند امور را بفتح و میل خودش خاتمه دهد از این جهت قانون در نظر گرفته است که از باب سیاست و جراید آن قوه هستند در موقع معاکه شان هیئت منصفه حاضر باشند و در حقیقت قوه و قدرتی برای آنها منظور داشته است

همانطور که آقایان میفرمایند ممکن است حکومت مطابق میل ما فوق خودش رفتار کند بنده هم عرض می کنم رئیس تلگراف یا سایر مأمورین هم ممکن است مطابق میل و اداره رؤسای مافوق خودشان رفتار کنند بلکه می خواهم عرض کنم حکومت ریاست یا ولایتی ممکن است از نقطه نظر شخصیت و نظر بقوه و قدرتی که دارد باز ملاحظاتی کرده تا اندازه ملاحظه مافوق را نکند.

ولی یک نفر مأمور جزء چون خودش را دارای آن قوه و قدرت بلکه آن شخصیت نمی بیند ممکن است زودتر در تحت نفوذ مافوق خود واقع شود و عقیده بنده این است که کلیه مأمورین دولتی بایستی از دخول در هیئت منصفه مستثنی باشند. عرض دیگر بنده راجع به آن صد نفر است که در این قانون نوشته اند در نقاطی هم که ما کم

استیناف نیست و معاکم ابتدائی در آن نقاط می باشد در آن نقاط هم باندازه صد نفر که نسبتاً حائز اکثریت بوده اند یافت نمود در صورتیکه عقیده بنده این است که این مسئله ممکن نیست و اگر مراجعه فرمایند معلوم میشود در غالب نقاط دهالی بیست منتهی سی نفر بیشتر یافت نمی شود شاید بعضی نقاط بالغ برصد نفر باشد و الا بطور کلی عرض می کنم در غالب نقاط بالغ برصد نفر نخواهد شد بملایه ممکن است پدر یا پسر من یک رأی یا دو رأی در باره من بدهند آنوقت بنده را جزو اعضاء هیئت منصفه می کنند که باید نماینده افکار عمومی باشم ؟ رتق و فتق امور را در قدرت من و امثال من قرار می دهند و این مسئله بهیچ وجه صحیح نیست ولی از نقطه نظر اینکه این قانون موقت و برای چهار ماهه است .

بنده موافقم ولی برای اینکه ممکن است این قانون مقدمه بشود برای قانون دائمی که بعد نوشته خواهد شد باینجهت بنده آنرا خوب نمی دانم .

معاون وزارت عدلیه - فلسفه را که آقای کازرونی برای هیئت منصفه قائل شدند ابدأ صحیح نبود زیرا در هیچ کجای دنیا هیئت منصفه از نقطه نظر اینکه دولت مقدر است یا روزنامه نویس مقدر نیست ایجاد نمی شود زیرا اگر باین علت بود باید در تمام معاکم اعم از جزائی و حقوقی هیئت منصفه حاضر شوند برای اینکه دولت مقدر است که اشخاص عادی حتماً قدرت شان کمتر است و باید در موقع معاکم که هیئت منصفه حاضر باشند در صورتی که فلسفه هیئت منصفه این نیست و هیئت منصفه برای آن است که مثلا وقتی يك خطائی از طرف یکی از جراند سر میزند ولو اینکه آن خطا خیلی مهم و سخت باشد ولی انفکار عمومی مایل است که مجازات آن خطا باندازه آن خطا نباشد آنوقت هیئت منصفه وقتی که افکار عمومی را اینطور دیدند همانطور مطابق افکار عمومی رأی خواهند داد و در قانون دائمی هیئت منصفه هم يك ترتیب کاملتری برای انتخاب اعضاء هیئت منصفه معین شده است و آن قانون هم عنقریب بمجلس خواهد آمد و کاملاً مقاصد آقایان در آنجا تأمین شده است و راجع باینکه فرمودند شاید در بعضی از نقاط عده اشخاصی که نسبتاً حائز اکثریت شده اند بعد نفر بالغ نشود خود آقای کازرونی هم تصدیق فرمودند که در نقاط و مراکز مهم عده بیش از صد نفر است و مخصوصاً دو دوره اخیر نوشته شد که حتماً عده بعد نفر برسد بملایه این قانون هم برای چهار ماه بیشتر نیست و اگر هم فرضاً در نقطه ده نفر یا بیست نفر از صد نفر کسر باشد از میان بقید بحکم قرعه پنج نفر عضو اصلی را انتخاب می کنند و تصور می کنم هیچ نفعی در این قانون نباشد

نایب رئیس - آقای نجات (اجازه)
نجات - باز هم تکرار می کنم در موقع شور در کلیات چاره نداریم جز این که اشکالات راجعه بمواد را بیان سازیم حالا هم چون ماده اول است و میتوانیم در کلیات صحبت کنیم اشکالاتی که راجع باین قانون بنظر بنده میرسد بطور اختصار بیان می کنم اگر چه این قانون برای چهار ماه بیشتر نیست و ممکن است یکی دو ماه دیگر هم طول بکشد تا بموقع عمل بیاید ولی با این حال اشکالاتی که بنظر بنده می رسد عرض می کنم آقایانی که در مرکز تشریف دارند البته حق دارند بفرمایند صد نفر کاندیدا برای هیئت منصفه ممکن است پیدا شود ولی اگر از مرکز خارج شوند خواهند دید که در سایر نقاط عده از پنج تا شصت نفر بیشتر نیست و این عده هم هر کدام دارای دوسه رأی بیشتر نیستند و چنانچه آقای کازرونی هم بیان فرمودند ممکن است این دوسه رأی را هم برادر یا پسر شخص داده باشد و بعقیده بنده خوب است نوشته شود که تا شخص چهل می برای هیئت منصفه انتخاب شود مثلا در تهران آقای مدرس شخص یا زده می بودند تا شخص چهل بمذا ایشان انتخاب شوند این اشکالی بود که در ماده اول داشتم اشکالی که در ماده سوم دارم این است که در آنجا نوشته شده است هیئت منصفه رأی خود را در مجرمیت و تشخیص جرم و یا عدم مجرمیت متهم با اکثریت آراء معین می نماید حالا اگر بنده را که وکیل مجلس هستم يك روزنامه نویسی متهم ساخت و یکسال هم بنده دوندگی کردم و بشود براهین آورد و ثابت کردم که آن گناهی را که بآن متهم شده ام مرتکب نشده ام آیا آنوقت تکلیف بنده با این روزنامه نویس چیست ؟ آیا بمن خواهند گفت معلوم شد تو راست گفته یا باو می گویند تو اتهام زده ؟ این که نمی شود پس باید مجازات معین کنند که پس از اثبات تقصیر شخص متهم را مجازات کنند و دیگر این که قانون باید دو طرف داشته باشد هم چنانکه موقمی مثلاً یک نفر روزنامه نویس نتوانست ثابت کند و تقصیر یا اتهام را بثبوت برساند مجازاتش معین شده است بنده هم وقتی تقصیری کردم و ثابت شد باید مجازاتم معین شده این که بروزنامه نویس ها بگویند تو تبرئه شدی و پس از یکسال زحمت و دوندگی تقصیر را بکردن وزیر یا وکیل ثابت کرده ای دیگر مجازات شخص متصربا خدا است بملایه اگر مقصود آقایان از مجازات روزنامه نویس مجازاتی است که در قانون مطبوعات از تصویب مجلس گذشته است چرا در این قانون اشاره به آن نکرده اند و با این ترتیب ممکن است معاکم در آتیه از این

قانون استفاده کرده و خود معاکم بمیل خودش رأی بدهد و بعقیده من خوب است بقانون مطبوعات اشاره شود يك سوالی هم در ماده چهارم داشتم که آقای مخبر اضافه فرمودند و خواستم تقصیرات سیاسی را هم آقایان توضیح بدهند که در آتیه اسباب اشکال فراهم نشود

معاون وزارت عدلیه - باز هم آقای نجات اشتباه فرمودند زیرا قوانین مملکت البته بهم مرتبط است و در موضوع يك قانون نمی توان بتمام قوانین اشاره کرد این مسئله بدیهی است تشکیل هیئت منصفه بجهت مطبوعات است و جرائمی که برای مطبوعات معین میشود باید با حضور و تصویب هیئت منصفه باشد مثلاً اگر يك نفر روزنامه نویس یا شخص دیگری بتوسط روزنامه نویس یکسوی تهمتی زد و در معاکم با حضور هیئت منصفه تهمتی را که زده بود ثابت کرد دیگر معاکم طرف و تعیین مجازات آن با هیئت منصفه نیست و باید شخص روزنامه نویس او را بمعاکم عمومی کشانید و از آن شخص ادعای خسارت کشانید اما اینکه فرمودند برای انتخاب اعضاء هیئت منصفه تا چهل معین شود تصور میکنم معاکم اشکالی که فرمودند باز هم همان اشکال در شخص سی و نهمی و چهل می پیدا میشود یعنی دارای دویا سه رأی بیشتر نباشد بملایه اشخاصی را که در دو دوره اخیر نسبتاً حائز اکثریت شده اند معین کردیم و این ترتیب هم اشکالی را که ایشان فرمودند مرتفع میسازد زیرا ممکن است در هر نقطه از دو دوره انتخابات اشخاصی باشند که تا پنج شصت رأی در باره آنها داده شده باشد بملایه اینکه می فرمایند ممکن است کسی برادر یا پسرش دوباره او رأی داده باشند و این مسئله از همان مشوب میکند این اعتراض بعقیده بنده وارد نیست برای اینکه این مسئله دلیل نمیشود که یکسوی که کم رأی دارد بگوئیم جزء هیئت منصفه نباشد در صورت ممکن است وقتی که قانون دائمی هیئت منصفه نوشته میشود اساساً طوری بنویسند که اعضاء هیئت منصفه را طوری معین کنند که اصلاً رأی در باره آنها داده نشده باشد

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
 حائری زاده - بنده در موقمی که این لایحه تقدیم مجلس شد عرض کردم که يك معایبی دارد که در آتیه تولید زحمت خواهد کرد مثلا طرف معاکم که وزراء از مجلس نگذرد این قانون تولید زحمت خواهد کرد و از این نقطه نظریک طرح قانونی راجع بمعاکم که وزراء از طرف سی و هفت نفر از نمایندگان پیشنهاد و تقدیم شده که رفع این عیب شود

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا خیلی میل داشت در نظامنامه مجلس تکلیفی برای مذاکره در کلیات معین شود زیرا غالباً وقت مضرب اینطور میگذرد و هر یک از آقایان در ضمن مذاکره در کلیات يك عقیده اظهار میکنند کلیات چیست ؟ این کلی که آقایان فرمایند بنده نمی دانم کلی طبیعی است کلی منطقی یا فقط نفی و اثبات است مقصود نفی و اثبات است که دیگر کلی قابل شور نیست و اگر این طور است چه سابقه مجلس غیر از این بوده است باید این مسئله رأی داده شود ولی بعقیده بنده شور در کلیات در حقیقت مذاکره در مواد است که بگویند کدامش خوب کدامش بد است و سبب آن را هم بیان کنند و اما اینکه آقای منصور السلطنه فرمودند در هیچ کجا معمول نیست که عموم مأمورین دولت را از هیئت منصفه مجزا کنند این در خاطر شان است در سال گذشته که این قانون را آقای مشیرالدوله هم امضا فرمودند و بمجلس پیشنهاد کردند عموم مستخدمین دولت را از دخول در اعضاء هیئت منصفه مجزا کرده بودند و نمی دانم از چند نقطه نظر کمسیون فقط وزراء و مأمورین وزراء و حکام را فقط مستثنی و بقیه را بگذارند و این فلسفه را که برای هیئت منصفه فرمودند اگر در قانون اساسی اسمی از هیئت منصفه برده نشده بود بهیچ وجه بنده هم اسمی از هیئت منصفه نمی بردم و اینکه فرمودند هیئت منصفه مجری احساسات عمومی میباشد این مسئله در موقمی مجری است که بکلی مأمورین دولت را از عضویت هیئت منصفه استثناء دارند چنانکه در موقع انتخابات نظامیان را مستثنی کرده اند و حال هم در این قانون نوشته شده است اشخاصی که نسبتاً حائز اکثریت شده اند یا مقام نمایندگی را احراز کرده اند می بایستی برای عضویت هیئت منصفه انتخاب شوند آنوقت در این حال اشخاصی بودند که در دوره دوم و سوم وکیل شده اند و حالا در نظام می باشند مثل آقای لواء الدوله وکیل ملایر و آقای شیخ غلام حسین وکیل شاهرود که وکیل بوده اند و حالا جزء نظام اند و از نه دور سوم و هشتم و شانزدهم خیلی اشخاص هستنند که حائز اکثریت بوده و وکیل شده و حالا جزو نظام اند و اینک ما بگوئیم نظامیان مستثنی هستند در قانون هم اشاره نشده فردا می گویند فلان شخص نظامی حائز اکثریت بوده که در فلان دوره هم وکیل شده و باید جزء هیئت منصفه باشد و قانون هم ساکت است و اگر بنا باشد بگوئیم کلیه اشخاصی که حق انتخاب کردن دارند داخل هیئت منصفه بشوند آنوقت آن فلسفه که از ابتداء برای هیئت منصفه قائل شده ایم که باید از طرف عموم ملت و ناشر افکار عمومی باشند این مسئله صدق

پیدا نمیکند و بملایه اشخاصی که دارای پنج رأی و شش رأی باشند چگونه می توانند نماینده افکار عمومی باشند و کسی که دارای دورای یا سه رأی باشد این شخص طرف اعتماد مردم نیست و چیزی فهمیده نمی شود اما این که آقای آقا سید یعقوب اشاره می کنند و میفرمایند با اینکه جزء نظام ما هستند چرا مخالفت میکنند بنده عرض میکنم این منافاتی ندارد البته اگر نوانصی قانون داشته باشد ما هم باید بگوئیم بنده سه چهار مرتبه در کمسیون بودم راجع بستماریات مذاکره کردم و آقای سید السلطنه هم که در آنجا تشریف داشتند در سه نکته بنظرشان رسید و اظهار کردند همه تصدیق نمودند بنا بر این بایشان نباید گفت که شما نباید حرف بزنید و اظهار عقیده بکنید غیر اینطور نیست این مجلس مشاوره است اگر کسی اشتباه کرد باید او را از اشتباه بیرون آورد و این مسئله گفتگو و نزاعی ندارد اما اینکه گفته شد که مدت این قانون خیلی کم است بنده عرض میکنم باین قسمت بنده موافقم زیرا که ممکن است در قانون دائمی هیئت منصفه تمام این نظریات تأمین شود و در خاتمه عرض می کنم که این قانون را بترتیبی که عرض کرده ام چنانچه اصلاح کنند بهتر است دیگر بسته بنظر آقایان است

نایب رئیس - چون شور اول است نظریات خود را حضرت والا پیشنهاد می فرمایند .

آقای حاج مخبر السلطنه مخالفند
 حاج مخبر السلطنه - بنده نمی دانم موافقم یا مخالف ولی با اظهارات آقای محمد هاشم میرزا موافقم

نایب رئیس - پیشنهاد بفرمایند آقای اقبال السلطان مخالفند ؟

اقبال السلطان - بفرمایند

نایب رئیس - بفرمایند

اقبال السلطان - بنده این ماده را که خواندم تصور می کنم این استثنائی که قائل شده اند برای آن معاون وزراء تخاصه ای است که وکیل بوده یا نامزد برای وکالت شده اند یا در دوره های گذشته وکیل بوده اند و بنده تصور می کنم گفتگو در این نیست که نمایندگان دولت اعضاء هیئت منصفه باشند که آقایان می گویند چرا وزیر و معاون وزیر و حاکم را استثناء کرده و سایر مأمورین را استثناء نکرده اند و چون گفتگو در این نیست تصور می کنم اعتراض آقایان در این موضوع بی مورد باشد و بنده کاملاً موافقم

نایب رئیس - مذاکرات کافی است ؟

پیشنهاد آقایان محمد هاشم میرزا و اقبال السلطان و حاج میرزا عبدالوهاب و حاج

سید المحققین بمضمون ذیل قرائت شد
 بنده پیشنهاد می کنم که استثنائی این طور نوشته شود و این عبارت ضمیمه شود :
 استثنائی کلیه اشخاصی که از طرف دولت مأمور یکی از مشاغل هستند ولو غیر محکم هاشم میرزا

تیسره ذیل را برای الحاق ب ماده اول پیشنهاد می کنم
 در نقاطی که عده کاندیدا های وکالت بالغ بر یکصد نفر نیست هیئت منصفه از مجموع عده کاندیدا های وکالت انتخاب خواهد شد

اقبال السلطان
 بنده پیشنهاد می کنم هیئت منصفه اشخاصی که رأی آنها کمتر از صد رأی بوده باشد جزء منتخبین در هیئت منصفه نباید باشند .

عبدالوهاب الرضوی
 بنده پیشنهاد می نمایم تیسره ذیل در ماده اول نوشته شود
 تیسره - شرایط اشخاصی که حائز اکثریت و بموجب این قانون عضو هیئت منصفه می باشند همان شرایط خواهد بود که در قانون انتخابات برای انتخاب شده گان مقرر شده است

اشخاصی که نمایندگی ایشان از مجلس شورای ملی رد شود عضو هیئت منصفه نخواهند بود .

حاج سید المحققین
نایب رئیس - ماده دوم قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده دوم - در نقاطی که اشخاص حائز اکثریت بطوری که در ماده قبل مقرر است بیکصد نفر بالغ شود قرعه باید از میان عده موجوده بمثل آید

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - بنده موافقم

اقبال السلطان - بفرمایند

نایب رئیس - بفرمایند

اقبال السلطان - بنده این ماده را که خواندم تصور می کنم این استثنائی که قائل شده اند برای آن معاون وزراء تخاصه ای است که وکیل بوده یا نامزد برای وکالت شده اند یا در دوره های گذشته وکیل بوده اند و بنده تصور می کنم گفتگو در این نیست که نمایندگان دولت اعضاء هیئت منصفه باشند که آقایان می گویند چرا وزیر و معاون وزیر و حاکم را استثناء کرده و سایر مأمورین را استثناء نکرده اند و چون گفتگو در این نیست تصور می کنم اعتراض آقایان در این موضوع بی مورد باشد و بنده کاملاً موافقم

نایب رئیس - مذاکرات کافی است ؟

پیشنهاد آقایان سید حسن کاشانی

(اجازه)
 تدین - اعتراضاتی که آقایان در ماده اول و دوم فرمودند راجع باینکه در اغلب نقاط صد نفر منتخب پیدا نمی شود که هشت نفر از آنها بحکم قرعه معین شود تصور می کنم ماده دوم را بدقت ملاحظه فرموده اند زیرا که در ماده دوم قید می کنند در نقاطی که عده حائزین اکثریت بيك صد نفر بالغ نشود قرعه باید از عده موجوده بمثل آید و این کاملاً نظریات آقایان را تأمین می کند و این پیشنهادها هم مورد ندارد

نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی اجازه

حاج میرزا مرتضی - بنده موافقم

نایب رئیس - آقای دولت آبادی مخالفند ؟

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده موافقم

نایب رئیس - پس مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر)

نایب رئیس - ماده سوم قرائت می شود

(بمضمون گذشته قرائت شد)
نایب رئیس - آقای دست غیب مخالفند ؟

دست غیب - بلی

نایب رئیس - بفرمایند

دست غیب - در اینجا نوشته شده معاکم منصفه از معاکم جنائی عمومی و از اعضاء هیئت منصفه تشکیل میشود بنده نمی فهمم مقصود از این معاکم جنائی عمومی چیست ؟ آیا مقصود معاکم ابتدائی است معاکم استیناف است که هیئت منصفه را تشکیل می دهد یا اینکه وقتی معاکم استیناف و ابتدائی با هم یکی شد آن در معاکم يك معاکم جنائی میشود یا اینکه معاکم ابتدائی و استیناف فریزر معاکم جنائی است و در هر صورت باید این مسئله را توضیح بدهید که بنده بفهمم اعتراض دیگر بنده این است که در اینجا نوشته صدر بحکم حوزه بر تبرئه و حوزه بر تعیین مجازات فقط با قضات خواهد بود صدر بحکم ظاهر عبارتش این است که مجازات با هیئت منصفه است و چون سوء تفاهم می شود خوب است نوشته شود ابلاغ حکم با هیئت منصفه است و اینکه اینجا نوشته است رأی که برله متهم است بعقیده بنده باید نوشته شود رأییکه برله متهم سابق است برای اینکه کلمه اتهام از بین می رود این است که بعقیده بنده این دوجمله باید باین ترتیب اصلاح شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفند ؟

آقا سید یعقوب - خیر بنده موافقم

نایب رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - از بیانات آقای دست غیب همچون فهمیده می شود که مخالف نبودند

باز هم بنده جواب سؤالات ایشان را می دهم . بنده تصور می کنم صدور حکم با ابلاغ حکم تفاوتی نداشته باشد زیرا وقتی که قاضی رأی می دهد صدور حکم است نه ابلاغ بجهت اینکه وقتی حکم صادر می شود می رود و ابلاغ می شود و چنانچه در عدلیه هم می گویند حکم صادر شد و ابلاغ شد و فلسفه این هم در احکام شرعی رجوع می شود بشبهات که چه آقای منصور السلطنه فلسفه تأسیس هیئت منصفه را بیان کردند و لکن آنچه که بنده فهمیده ام این است که عقلاً و نادانانان آمده اند و نوشته اند و برای مطبوعات حدودی معین کرده اند و در واقع این از نظر بزرگ انبیاء است که باید حدود را بقدر امکان بشبهات رفع کرد باین معنی چون نظر حضرت حق بیشتر بیغشش است این است کسانی که دارای مقام قضاوت اند و بیشتر این نظر در آنها ملحوظ است باید حتی الامکان حدود را بشبهات رفع کنند یعنی کمتر حدود را بر مردم متوجه کنند از این نقطه نظر است که در اینجا ملاحظه کرده اند که همینکه برله متهم رأی داده شد از تهمة خارج می شود و در حقیقت این است که متهم تشکیل معاکم می دهد و بعد از آنکه حکم برله او داده شد آنوقت اتهام از او خارج میشود پس این قسمت که نوشته شده صحیح است و اما اینکه فرمودند معاکم استیناف یا معاکم ابتدائی را چنانی می گویند این موضوع را پس از آنکه داخل عمل شدند یاد خواهند گرفت (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - مذاکرات کافی است ؟

(جمعی گفتند کافی است)

نایب رئیس - ماده چهارم قرائت می شود .

(بمضمون سابق قرائت شد)
نایب رئیس - آقای نجات (اجازه)

آقا میرزا محمد نجات - بنده سؤالی کردم که متهمین بتقصیرات سیاسی معلوم شود و در مجلس گفته شود که تقصیرات سیاسی چیست برای اینکه غیر از معنای واقعی آن تفسیر و تعبیری کنند . آقای مخبر در این موضوع ساکتند و هیچ جوابی نمیدهند حاج شیخ اسدالله مخبر کمسیون - تصور می کنم مورد تعیین تقصیرات سیاسی مربوط بقانون هیئت منصفه نباشد زیرا هر کدام از این تقصیرات يك مواردی دارد و البته در موارد خودش هر کدام معین خواهد شد و اگر بنا باشد تمام تقصیرات سیاسی را در قانون هیئت منصفه بنویسیم باید کتاب مفصل نوشت و بالاخره تمام قوانین راجعه باین خصوص را باید در این قانون موقتی نوشت و در مواد قبل هم که آقایان

ایراد نمودند حالا گذشته است و بنده مخصوصاً هیچ دفاعی نکردم برای اینکه خواستم آقایان در این خصوص هر چه نظریه دارند بفرمایند و هر چه اعتراض هست گفته شود تا اذهان همه آقایان روشن شود و اگر مطلب دیگری داشته باشند پیشنهاد کنند چون کسبوس اساساً نظریه اش این است که این قانون موقتی از مجلس بگذرد و دیگر اینکه اجرا بشود یا نشود اصراری ندارد این است که هر چه آقایان پیشنهاد کنند و عملی باشد (نه آن فرمایشی را که آقای نجات می فرمایند که باید تمام تصویبات سیاسی در این قانون معین شود که این قبیل پیشنهادات ابداعاً عملی نمی شود) کسبوس قبول می کند و دیگر دفاع از مذاکرات ندارد هر چه آقایان پیشنهاد کنند قبول داریم

نایب رئیس - آقای نجات توضیحات دارید؟

نجات - بله بنده از مغیر سؤال می کنم که تصویبات سیاسی را بیان فرمایند می گویند در قانون خودش است آقای مغیر کدام قانون راجع باین خصوص در مملکت هست؟ اگر شما خودتان نمی دانید از دیگری بپرسید بنده می خواهم این مسئله در مجلس گفته بشود که تصویبات سیاسی یعنی چه؟ اگر می دانید بگوئید و اگر می فرمائید در قانون است آن را هم بفرمائید در کدام قانونی که از مجلس گذشته است قید شده قانون و ماده و تاربخ را بفرمائید که بنده نمی دانم تصویبات سیاسی چیست آقای مغیر طفره می زنند از جواب بنده اصرار می کنند که بگویند تصویبات سیاسی چیست

مغیر - آقای نجات اگر اصراری دارند در این مسئله که مجازات و تصویبات سیاسی معین شود بنده عرض می کنم هیچ قانونی در این خصوص نداریم ممکن است خود آقایان قانون و موادی بنویسند و تصویبات سیاسی را در آنجا ذکر کنند و بمجلس و کسبوس پیشنهاد کنند ما هم موافقت می کنیم آقای نجات اگر می خواهند سؤال کنند این مسئله را سؤال کنند که این هیئت منصفه که برای تصویبات مطبوعات و محل ابتلاء آنها میباشد چیست تصویبات سیاسی را که خارج کرده ایم هر چه می خواهد باشد مربوط باین قانون نیست و آقایان من هم تصویبات مطبوعاتی را سؤال کنید نه چیزی را که خارج کرده ایم

نایب رئیس - آقای کارزونی (اجازه)

میرزا علی کارزونی - بنده قطدر اینجا يك سؤال دارم و آن این است کدر اینجا نوشته متهمین بتصویبات سیاسی مشمول این قانون نیستند می خواهم سؤال نمایم که این مقصرین باید در معاد کسات معمولی معافانه شوند یا اینکه باید بحضور

هیئت منصفه معافانه شوند فقط میخواستم این را توضیح بدهند

معاون وزارت عدلیه - البته این قانون ناقض قانون اساسی که نمی تواند بشود در آنجا قید شده که مقصرین سیاسی بایستی رجوع به هیئت منصفه بشوند و پس از این که در اینجایی نویسد مقصرین سیاسی مشمول این قانون نخواهند بود مقصود این است که مقصرین سیاسی بحضور هیئت منصفه معافانه نخواهند شد و اینکه آقای نجات راجع بمقصرین سیاسی سؤال فرمودند بنده عرض می کنم البته باید يك قانونی برای مجازات مقصرین سیاسی معین شود هر چند در قانون معافانه وزراء تصویبات سیاسی مجازات آنها معین شده ولی اگر چنانچه تصویب برسد هم در آفاد آنجا پیش بینی شده است (گفتند مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - رای می گیریم که داخل در شور دوم بشویم یا نه آقایانیکه تصویب می کنند که داخل در شور دوم بشویم قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام فرمودند)

نایب رئیس - تصویب شده اجازه می فرمائید پانزده دقیقه تنفس داده شود (گفتند صحیح است)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از يك ربع تشکیل گردید)

نایب رئیس - در ماده پنج قانون امتیاز فقط قدری مذاکره شده اگر اجازه می فرمائید مذاکره شود آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده اجازه نخواستم

نایب رئیس - اجازه ها محفوظ مانده و اسم جناب عالی هم از سابق هست آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - تقریباً این چیزی را که کمیابی برای خودش باقی می گذارد که صد پانزده حد اکثر آنرا معین میکند در پنج ایالت بر تریبی که سابقاً گفته شد تقریباً هزار و چهارصد فرسخ می شود و بنده نسبت باین صد پانزده مبالغه و علاوه آنکه این مسئله برای مملکت ما مفید نیست مضر می باشد برای ما تولید می شود و احتیالمقدور باید کاری بکنیم که بتوانیم از این سرمایه طبیعی خودمان استفاده کنیم در صورتیکه صاحب امتیاز صد پانزده اراضی را برای کندن چاه احتکار کند ملاحظه فرمائید با این ترتیب برای ما ضرر چه خواهد داشت بنده اساساً مخالف این هستم که نفت شمال را بعنوان اینکه نفت شمال است بیک کمیابی بدهند چنانچه نفت جنوب را داده اند فقط

شمال را هم بدهند - نفت جنوب را می بینیم تمام در تحت نفوذ آنها است و در يك نقطه کار کرده اند و آنچه استفاده میکنند از آن نقطه است - برای مملکت ایران اگر چنانچه منابع ثروتش گشوده شود هر چه بیشتر باشد بیشتر ملت ایران فایده می برند ولی برای آنها هر چه کمتر و محدودتر باشد قیمت آن را زیادتر نموده و بیشتر استفاده می برند - این کاری را که مانست بنفت جنوب کردیم نسبت بنفت شمال نباید بکنیم بنده عقیده ام این است آن چیزی را که ما می توانیم اینجا رعایت کنیم این است که صد چهار را بکمیابی واگذار کنیم و ما را از آن آزاد بگذاریم همان طوری که نسبت بصدیانزده زیادتر از آنرا از او گذارده ایم و عقیده بنده زیاد از صد چهار برای مملکت ما يك چیز فوق العاده ای است و صلاح نیست

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - فرمایشاتی که آقای دولت آبادی فرمودند بنده خواستم جواباً خدمت شان عرض کنم وقتیکه خوب توجه کنند باین مواد می بینند که این مواد مثل رشته زنجیر بهم پیوسته است و می توانم عرض کنم که بعضی از مواد متصل ببعضی از مواد دیگر است که اگر این مواد بیست و چهار گانه را ملاحظه فرمائید اگر اعتباراتی برای شان حاصل شده باشد وقتی که مراجعه کردند آن اشتباهات از بین می رود و وقتیکه می نویسیم نفت شمال مقصودمان این است که پنج قطعه از مملکت را ما اختیار می دهیم و ابدأ تفاوت بین نفت جنوب و شمال قائل نیستیم زیرا تمام مملکت ایران است و کسبوس هم هیچ بنظر تقابل بین جنوب و شمال نداشته است و در مسئله صد پانزده از اراضی که اعتراض فرمودند اگر چنانچه درست توجه فرموده باشند و در آنجا نوشته شده در آنجا های که دولت امتیاز می دهد مقید باین شرط است که از حدود صد پانزده اراضی تجاوز نکنند و در آن قسمت مفتشین و مهندسین دولت می توانند تفتیش کنند و باید از صد پانزده تجاوز نکنند و اگر مقصودشان این است که از صد پانزده کمتر داده شود آنهم مانعی ندارد بنده هم در این مسئله نظری ندارم

مشئله دیگری اینکه فرمودند مادر عرض يك مدتی اراضی خود را احتکار می کنیم این مسئله بدیهی است که باید این مدت را تعیین کنیم که مهندسین و علماء و متخصصین فنی آنها بیایند و این اراضی را گردش کنند و ببینند در کجا نقطه هست که باید استخراج شود در کجا نیست و در کجا باید قلاع نظامی برای حفظ و حراست معادن بنا شود و در کجا دیوار سیمی خاردار باید کشیده شود تمام اینها را باید ترتیبش را بدهد و بدیهی است اعضاء کسبوس هم این ملاحظات و

دقت هارا کرده اند و این امتیازی را که خواهند بدهند برای استخراج نفت از موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

در معاهده چک اسلواک همانظوری که چاپ شده و بدست آقایان هم هست قسمت سوم آن اینطور می نویسد استخراج نفت از چهار منطقه مخصوص واقع در محل (لوهر) که بموجب بخشنامه دوم نوامبر ۹۰۲ - ۳۰۷۲ بدولت چک اسلواک متعلق و در همان سه در دفتر وزارت معادن در تحت نمره ۳۳۲۰ ثبت می باشد ولی مالکیت این منطقه کمافی السابق بدولت چک اسلواک خواهد بود

با وجود اینکه گفته اند توضیح واضعات است باز بنده عرض می کنم که دولت اروپائی وقتی معاهده با يك کمیابی ببندد در معاهده اش می نویسد که کمیابی فقط حق استخراج نفت دارد و اراضی متعلق دیگر اروپائی که با وجود اینکه گفته اند توضیح بدولت است و در اینجا ابدأ همه چه قیدی ندارد که دولت این اراضی خاصه را که باو واگذار می کند مال او نیست و فقط اجازه استخراج نفت را دارد نه مالکیت اراضی ما در این ماده ه وقتی باین قسمت می رسید می بینیم نوشته است صاحب امتیاز در ظرف هشت سال بعد از تاریخ تصویب امتیاز اراضی را که برای استخراج در اختیار خود نگاه می دارد بعدها به لفظ اراضی منتخبه در این قانون مذکور می شود

روزی فوائد عامه در طهران صورت خواهد داد

این يك قسمت است که بنده مخالفم موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

روزی فوائد عامه در طهران صورت خواهد داد

این يك قسمت است که بنده مخالفم موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

روزی فوائد عامه در طهران صورت خواهد داد

این يك قسمت است که بنده مخالفم موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

روزی فوائد عامه در طهران صورت خواهد داد

این يك قسمت است که بنده مخالفم موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

روزی فوائد عامه در طهران صورت خواهد داد

این يك قسمت است که بنده مخالفم موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

روزی فوائد عامه در طهران صورت خواهد داد

این يك قسمت است که بنده مخالفم موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

روزی فوائد عامه در طهران صورت خواهد داد

این يك قسمت است که بنده مخالفم موم معدنی و گازهای طبیعی است که باید استخراج نمایند و بنده در این امتیاز این را نمی بینم

نایب رئیس - آقای سلیمان مخالفند؟

سلیمان میرزا - البته

نایب رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - این مطلب را در وسایر آقایان مکرر عرض کرده ام که می خواهم مطابق این قانون تانست سال يك معین مهم- مملکت خودمان واگذار کنیم در صورتیکه یادآوری است که ما اطلاعات کامل و تخصص در این فن نداریم و ممکن است هزار قسم اشتباه کرده باشیم پس هر قدر مدت کمتر باشد بهتر است و ثانیاً آقایان هر چند بیشتر در کنند البته قابل تمجید است بنابراین این مذاکرات بطول می انجامد از نقطه نظر جلو گیری از احتمالاتی است که در این مدت طولانی ممکن است برای مملکت فراهم شود بنا برین مخالفت بنده در راه پنج برمی گردد بجهله که در قانون امتیاز چک اسلواک و شاید آقایان بفرمایند موضع واضع است ولی بنده عرض می کنم که چهار دوره است که در مجلس هستیم و از قوانین گذشته اطلاع داریم می دانم در چه موضوع باید يك شور شود و در چه موضوع دوشور مقصود این است که آقایان اعتراض نفرمایند

میشود و بنده با اینکه حساب را خوب بلدم معذرت می‌نمایم این مسئله حسابی را بطور حل کنم که صد دوازده بطور صدی و دو میشود پس چون این چیزها را نمی‌دانیم خوب است احتیاطاً از دست ندهیم و اگر خدای نخواست خلاف مسئله ظاهر شود برای ماضی کمترین و احتراز از زیان در کمیسیون پیشنهاد کردم که ما مختار باشیم که صد شانزده از عایدات خالص بگیریم یا صد دوازده از همین جنس را اختیار کنیم و کوبا در کمیسیون پیشنهاد بنده قبول شده بهر حال این مسئله حالاً موضوع بحث نیست و در موقع عمل معلوم میشود که صد و آنرا از همین جنس نافع‌تر است یا صد شانزده از عایدات خالص و تصور می‌کنم اگر دو جمله برای قانون اضافه شود یعنی اولاد تمام اراضی منتصبه کمیانی حق انتخاب صد یا نوزده از تمام اراضی را نداشته باشد و این صد یا نوزده را که انتخاب می‌کند بنسبت این چند معلی باشد که باو امتیاز داده می‌شود چون بنده پیشنهاد کرده‌ام که یک ولایت مستثنی شود و برای اتباع داخله گذارده شود باید در تمام مواد ولایات اربعه نوشته شود یکی اینکه این اراضی در ملکیت دولت و مالکین باقی خواهد بود و جمله دیگر هم اینکه این صد یا نوزده به نسبت نقاطی باشد که باو امتیاز داده میشود نه اینکه از کلیه اراضی ایالات و ولایات صد یا نوزده انتخاب نماید

مختار - اعتراض اولی حضرت والا بماده ۵ راجع بمسئله مالکیت و استنادی که بامتیاز چک اسلا و فرمودند و تمام این ایراداتی که ببیشنهاد کمیسیون نمودند هیچ وجه وارد نیست برای اینکه اولاد در این قانون امتیاز مالک ماده هست که در قانون امتیاز چک اسلا نیست و آن این است که پس از انقضای مدت امتیاز تمام مایملک کمیانی بملکیت دولت ایران بر میگردد و این شرط در امتیاز چک اسلا نیست . تا بنده بنده نمی‌دانم چرا ما بایستی با آن ماده این نظر را نسبت بملک مالکین و اراضی که کمیانی برضایت صاحبان اراضی میگرد داشته باشیم برای اینکه آن اراضی بعد از انقضای مدت امدال مالکین نیست و مال دولت می‌شود و صاحبان اراضی برضایت مال خود را بکمیانی نمی‌فروشند مثلاً اگر بنده ملکی داشته باشم و او را برضایت بکمیانی بفروشم دیگر مالک آن نفوادم بود پس تمام املاکی را که کمیانی برضایت صاحبان مال میگرد تا مدت ۵۰ سال شرعاً عرفاً قانوناً از ملکیت مالکین خارج و ملک کمیانی است و بعد از انقضای مدت امتیاز ملک طلق دولت خواهد بود ولی در صورتی که باز بخواهند این پیش بینی را تکرار فرمایند چون در آن قسمت که مال دولت است البته حق استعراج

نقطه را می‌تواند بکمیانی بدهد و دولت آن اراضی را نمی‌فروشد امتیاز می‌دهد و در ماده یازدهم در آنجائی که صحبت از اراضی مزروعی و اگذاری دولت است ممکن است قید شود که مالکیت دولت بجای خودش باقی است راجع بقسمت دیگر مسئله بلاعوضی جواب او را سابقاً عرض کردم و حضرت والا تصدیق فرمودند که آن جواب کافی بود لکن فرمودند برای دیگران که شاید از سوابق مطلع نیستند سوء تفاهمی تولید شود بنده عرض میکنم باز هم انشاءالله در کمیسیون با حضور خودشان مذاکره خواهد شد که هم مقصود ما و هم مقصود ایشان انجام گیرد و البته در موقع مذاکره از درج عبارت برای واضح شدن مطلب نخواهیم کرد . در دو قسمت دیگر تذکر بجهار قطعه بود عرض می‌کنم البته وقتی که مجلس بجهار قطعه رأی بدهد بدیهی است که در تمام قسمت‌ها چهار قطعه نوشته خواهد شد . و اما نسبت صد شانزده و تکرار و اشتکات و تناقض عبارات شرحی اظهار فرمودند و این ایراد را یکی دیگر هم از آقایان نمودند ممکن است بکمیسیون شریف بیاورند و در آنجا بامدرک و سند و اطلاعاتی که از اشخاص متخصص بدست آورده‌ایم بر عرض آقایان برسانیم . یک قسمت دیگر از فرمایشات حضرت والا راجع بمسئله صد یا نوزده اراضی است . در کمیسیون هم این نظر بود که این صد یا نوزده را اختصاص بدهند به هر قطعه ولی علت اینکه معتقد باین نظر نشدیم این بود که حالاً عرض می‌کنم تصور می‌نمایم اگر چنانچه درست دقت فرمایند خواهند دید که احتیاجی هم باین مطلب نداریم .

ما نمی‌دانیم مقصود ما از استعراج معادن نفت و استفاده از آن چیست ؟ اولاً باید دانست که نفت از چه حیث میشود ثروت برای مملکت باشد . بقرینه بنده از دو حیث یکی از حیث رفع احتیاجات صنعتی و دیگری از حیث رفع احتیاجات ضروری مملکت البته یک مملکتی که خودش نفت داشته باشد و از آن برای ملت خودش تمام کند یک رجحان و مزیتی دارد بردولتی که آن دولت از خود نفت ندارد و علاوه آنکه از نقطه نظر تجارت و اقتصادی یک هواد فوق‌العاده دارد یک نوع استفاده‌های دیگری هم از قبیل استفاده سیاسی که در موقع معاربه و جنگ برای کشتی‌های جنگی و آلات و ادوات جنگی دارد که در صورت نداشتن نفت از اینها استفاده ما بی‌بهره است .

در هر صورت مدتها بود که این منابع ثروت در خاک مملکت ما موجود و ما هم می‌دانستیم که این منابع ثروت در مملکت هست ولی خودمان مستقیماً نمیتوانستیم از این معادن استفاده کنیم امروزه محتاجیم امتیاز آنها را بیک کمیانی خارجه بدهیم و برای استفاده ازین معادن یک آلات و اسبابهائی لازم است که ما فاقد آن هستیم باید این استفاده را ما بدست دیگران بکنیم دیگر اینکه البته یک استفاده برای سرمایه‌داران داخلی خودمان باید نگاهداریم و این از بهترین قسمتهاست ولی در همین حال باید به بینیم این راهی که ما میخواهیم برویم آیا عملی است یا عملی نیست ؟ و آیا استفاده از این خواهیم برد یا نه ؟ و اما در قسمت صد یا نوزده به ترتیبی که حضرت والا اظهار عقیده کردند گمان می‌کنم هر دو مقصود حاصل نمی‌شود یعنی در مازندران یا گیلان که جزو قطعات اربعه یا خسه است اگر در آنجا یک مقدار نفت زیادی پیدا شود اگر کمیانی که باو این امتیاز را می‌دهیم وقتاًئیم که اطلاعاتش بر این امتیاز را می‌بیشتر است مثلاً فرض کنیم که در آنجا هابک مقدار مقدار معینی نفت پیدا می‌کند حالا اگر ما بگوئیم از این مقدار صد یا نوزده را او عمل و تجارت کند و صد هشتاد و پنج دیگر ما استفاده کنیم آیا کمیانی باین ترتیب قبول میکند یا خیر ؟ تصور نمی‌کنم قبول کند و آقایانی که راجع بسرمایه داران داخلی نظری دارند تصور می‌کنم باین ترتیبی که نوشته شده بهتر بشود استفاده نمود زیرا حضرت والا با سایر آقایانی که این اظهار را میفرمایند تصور می‌فرمایند که اگر دخالت کمیانی های خارجه را باید نفی کنند بوسیله سرمایه‌داران و تجار داخلی بهتر می‌توانند استفاده کنند . بموجب همان قانونی که حضرت والا به آن اشاره فرمودند که همان قانون عرضه و تقاضا است و فرمودند که این قانون طبیعی است و هیچ تصویر یا عدم تصویری هم درین حال نمی‌نمودند که با آن قانون معارضه کنند و حالا چون آن مورد بحث نیست بنده داخل در مذاکره اش نمی‌شوم ولی چیزی که نباید فراموش کرد مسئله رقابت و ارزان فروختن است و این هم طبیعی است اگر چنانچه کمیانی دید برایش این امتیاز صرفه دارد قبول میکند و الا اگر برای او فایده نداشته باشد قبول نخواهد کرد و ما هم از یک تاجر نمی‌توانیم انتظار بی نفع و سودا است وقتی که کمیانی این ماده را با این اصلاح نگاه کرد و دید برای او فایده ندارد که صد یا نوزده را برای خود نگاه داشته و صد هشتاد و پنج را ببا بدهد آنوقت قبول نکرد آیا پس از آن کدام سرمایه دار داخلی از نقطه نظر معلومات فنی و ثروتی در مقابل این کمیانی ایستادگی کرده و رقابت خواهد نمود ؟

بدیهی است هیچ سرمایه‌داری در ایران نمی‌تواند با او رقابت کند پس بنابراین ما استفاده از سرمایه داران و تجار داخلی نخواهیم کرد مگر اینکه بگوئیم نفت فروشی خواهد کرد مراجعه بحساب بفرمائید گمان دارم محقق باشد که تناسب استفاده از نفت که تجار و سرمایه داران داخلی از نقطه نظر ما و سرمایه داران مملکت ما از راه حقوق دولت و یا شرکت در سهام خواهند برد همین صد هشتاد و پنج با صد درصد از نقطه نظر خیز بیاورند نخواهد بود و کمیسیون با یک ارقامی که از یک متخصص گرفته شده بود اینها را تطبیق نمود و با حضرت والا این مسئله را مذاکره خواهیم نمود و عجباً این نظری که عرض کردم برای این است که خاطر محترم آقایان متذکر باشد و در کمیسیون هم بدو این نظر مطرح شده بود ولی بیک ملاحظاتی کمیسیون اینطور صلاح ندانست که نوشته شود حالا دیگر بسته به نظر مجلس است و گمان می‌کنم مذاکره در ماده پنج کافی باشد

آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمان میرزا - اولاً گمان می‌کنم در مجالس سابق سابقه داشته باشد که وقتی چیزی در مجلس مطرح میشد و مخالفی نداشت محتاج برای نبود حالا هم اگر آقای نایب رئیس مهل دارند رای بگیرند زیرا بنده عرض می‌کنم این مسئله راجع به حیثیات دولت است و هیچوقت بنده حاضر نیستم و تصدیق نمی‌کنم که از طرف یک شخص خارجی بیک دولتی و او اینکه طرف اطمینان شخص من هم نباشد توهین و حمله و تندی بشود و این سابقه را هرگز برای مملکت خودم که یک خارجه در این مملکت بیاید و هر چه دلش بخواهد در جرائد دولت وقت بگوید و در موقع معا که هم بکذب بیانات و ادعای خود اعتراف نماید با این حال کافندی با حضور چند نفر از مأمورین و بیلماسی بنویسد و امضاء کند که آنچه را نسبت داده‌ام حاری از حقیقت بوده و بدون مجازات بی کار خود بروم . اگر این را تصدیق کنیم آنوقت وجود قانون هیئت منصفه بی‌موقع است زیرا هر کس در روزنامه یا در مجامع و محافل عمومی می‌تواند هر چه دلش بخواهد بر رئیس الوزراء یا وزراء یا و کلاه اسناد بدهد و بعد از آنکه او را معا که کردند کافندی بنویسد که آنچه که را گفتند و اسناد داده‌ام کذب یا بتحریک دیگران بوده است و همین اکتفا خواهد شد . دیگر قانون هیئت منصفه را برای چه می‌نویسیم ؟ در آن موقعی که بلانازل میشود اگر کسی بگوید من اشتباه کرده بودم حالا عقلم بجا آمده و ایمان آوردم فایده ندارد چنانچه فرعون در موقع فرق شدن گفت اشتباه کرده بودم ایمان آوردم و در برابر قهر حضرت پرورد گاری اثری نبخشید . و این که بعضی از آقایان فرمودند مجازات او این هده که از این مملکت خارج شد . آیا دیگر او تبهه ایران یا ایرانی بوده که این جلای وطن برای او تبیید باشد او اروپائی بود و مدتها بود اجازه می‌خواست بوطن خود معاودت کند و باو رخصت داده میشد حالا براد خود نائل شده و این بهیچوجه برای او مجازات نیست . زیرا بعد از اینکه فحشهای خود را داده است حالا بمملکت خودش بلزیک برگشت کرده و در آنجا با خانواده خودش مشغول عیش و کامرانی می‌شود . اگر این سابقه در مملکت ایجاد شود اولاً مأمورین خارجه را در آتیه خیلی گستاخ و جسور خواهد کرد تا بنیاً اتباع داخله هم باین سابقه تاسی نموده و دیگر نه قانون مجازات جلو گیری خواهد کرد و نه امنیت برقرار خواهد شد از این جهت است که بنده باز تکرار عرض می‌کنم با این که طرفدار دولت حاضر نیستم ولی چون حیثیات دولت را حیثیات خود

آقای سید یعقوب - آقای حاج نصیر - السلطنه را غایب بی اجازه نوشته اند اجازه نامه ایشان در روز عصر رسید و کمیسیون هم اجازه داده لذا با اجازه نوشته شوند رئیس - دیگر ایرادی نیست (گفته شد خیر) رئیس - قضیه دوبا جزو دستور است رئیس الوزراء - من مناسب تر می دانستم که در این موضوع بدو ایک اطلاعات خصوصی از خود من خواسته شود شاید توضیحاتی که من بطور خصوصی می‌دمم آقای سئوال کننده را قانع میکرد و حالا که این طور پیش آمده مذاکره در مجلس هده است با اینکه احتراز داشتم شرح قضیه را در مجلس بگویم و حالاً هم عرض می‌کنم که توضیحات مفصل نمی‌توانم بدهم معذرتاً یک شش برای اطلاعات آقایان عرض می‌کنم - در موضوع دوبا دولت وقت بدو قضیه را از نقطه نظر تحقیقات اداری تلقی کرد ولی در ضمن اینکه در محکمه اداری تعقیب هده بصورت اینکه در محکمه تعقیب او من بودم ایک انتشاراتی برخلاف حقیقت نسبت بمن داد و حملاتی نسبت بمن شد و بهترین دلیل برای اینکه انتشارات او برخلاف واقع است کافندی است که در چهار ماه قبل بفرود من نوشته و تکذیب نامه ای است که اخیراً در جراید درج کرده در ضمن این که تعقیب می‌شدم در جرم معلوم شد که تصدیقات او نه فقط از نقطه نظر تصدیقات اداری بوده بلکه یک جرم های عمومی و یک جرمهای سیاسی متوجه او می‌شده این بود که رسماً به معا که جلب و تعقیب شد در این ضمن یک مشکلاتی در طرز جریان معا که پیش آمد یعنی

نظر بلزوم عملی کردن مسئولیت وزراء و نظر باینکه تهیه و تصویب قانون مفصل مسئولیت وزراء ممکن است بزودی صورت بگیرد امضاء کنندگان ذیل ماده موقتی ذیل را تقدیم آن مقام محترم داشته نمایم . ماده واحده - مادام که قانون مسئولیت وزراء بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده همه وقت یا نوزده نفر از نمایندگان معا که وزیر را که شافل کرسی وزارت است تقاضا کنند مجلس شورای ملی کمیسیون تحقیقی مرکب از شش نفر منتخبین شعب برای رسیدگی باسناد و دلایل نمایندگان فوق - الذکر تعیین خواهد کرد . در صورتی که پس از استصاه راپورت کمیسیون مجلس شورای ملی دلایل تعقیب را کافی دانست امر به تعقیب خواهد داد و مدعی العموم تمیز مکلف است که بدون فوت وقت وزیرتهم را در دیوان تمیز تعقیب نماید . وزیر پست و تلگراف - چه اشخاصی پیشنهاد کرده اند ؟

مستشار السلطنه - سی و شش امضاء دارد . نایب رئیس - بکمیسیون مبتکران ارجاع می‌شود . در نتیجه مذاکراتی که راجع بسبب دوبا کردند چون مجلس رأی نداد تصور می‌کنم این مسئله صحیح نباشد

آقای سید سلیمان میرزا - این که بنده قضیه را جداً تعقیب می‌کنم دلیلش این است که تا این مذاکرات بجز این افتد بیم این می‌رود که آن شخص از سرحد خارج شده و دیگر دسترسی باو نباشد و این سابقه برای مجلس چهارم باقی بماند . بنابراین تا او خارج نشده است بنده از نقطه نظر فوراً البته عرض می‌کنم هر تصمیمی باید اتخاذ کرد تا او خارج نشده و در اختیار ما است باید اتخاذ کرد و چون حالا عده کفافی نیست بنده تقاضا می‌کنم در اول دستور جلسه فردا قبل از این که قانون استفاده و امتیاز نفت مطرح گردد تکلیف این کار معین شود . نایب رئیس - چون عده برای مذاکرات کافی نیست جلسه را ختم میکنیم دستور بقیه شور در قانون امتیاز نفت و هم چنین راپورت کمیسیون محاسبات متعلق به محاسبه نه ماهه قوی میل اداره میباشند .

میدانم همانطوری که برای حیثیات خود حرف می‌زنم از حیثیات دولت هم در موقع مجبورم دفاع کنم و هیچوقت رضای نخواهم شد که یک نفر علی الخصوص که اروپائی و اجنبی هم باشد بعد از این که مثلا پدر یا برادر مرا بکشد یا این که توهین یا اتهاماتی وارد بیاورد و پس از آن را بخورد گرفته و بیهال خود برود یا این که بگوید من اشتباه کردم و یا نادم شده‌ام اکتفا نمی‌نمایم و با این حال دیگر بطور میشود در این مملکت زندگانی کرد . این بود که بنده بفوریت یادآوری کردم که نگذارند این شخص از سرحد خارج شود و در هر کجا که هست توقیف نمایند و او را هودت داده بگویند پس اسنادی که همیشه میگفتی در دست دارم و با آنها متکی میشدی کجا است ؟ یا آن اشخاصی که ترا اغوا و تعریک می‌نمودند کیانند ؟ بنده میخواستم از طرف مجلس این اخطار به هیئت دولت بشود ولی با این مذاکراتی که با حضور خودشان کردم دیگر محتاج به اخطار نیست و خوب است آقایان رأی بدهند ترتیبی در این کار داده شود . حالا دیگر البته بسته بنظر آقایان نمایندگان است رئیس الوزراء - البته این اظهاراتی که میشود صحیح است ولی دولت مقتضی میدانند که کتباً مراتب را اطلاع دهد تا در مجلس قرائت شود نایب رئیس - همانطوری که شاهزاده با حضور رئیس دولت اظهار کردند گمان ندارم دیگر محتاج بچیزی باشد الا این که آقایان یک پیشنهادی بکنند آقای میرزا علی کازرونی عده برای مذاکرات کافی نیست سلیمان میرزا - این که بنده قضیه را جداً تعقیب می‌کنم دلیلش این است که تا این مذاکرات بجز این افتد بیم این می‌رود که آن شخص از سرحد خارج شده و دیگر دسترسی باو نباشد و این سابقه برای مجلس چهارم باقی بماند . بنابراین تا او خارج نشده است بنده از نقطه نظر فوراً البته عرض می‌کنم هر تصمیمی باید اتخاذ کرد تا او خارج نشده و در اختیار ما است باید اتخاذ کرد و چون حالا عده کفافی نیست بنده تقاضا می‌کنم در اول دستور جلسه فردا قبل از این که قانون استفاده و امتیاز نفت مطرح گردد تکلیف این کار معین شود . نایب رئیس - چون عده برای مذاکرات کافی نیست جلسه را ختم میکنیم دستور بقیه شور در قانون امتیاز نفت و هم چنین راپورت کمیسیون محاسبات متعلق به محاسبه نه ماهه قوی میل اداره میباشند .